

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ اکتوبر ۲۰۲۳

منابع تصمیم گیرنده اخراج افغانها از پاکستان!

چهارشنبه- ۱۲ میزان ۱۴۰۲ - کابل: در کنار جم غفیری از کسانی که از طریق رسانه ها مطلع شده اند که دولت پاکستان تصمیم خودش را مبنی بر اخراج افغانها از پاکستان الی ختم ماه اکتوبر رسماً اعلام کرد، هستند به صد ها هزار دیگر از هموطنان ما که از طریق روابط خانوادگی و دوستان دور و نزدیک شان که در پاکستان زندگانی می نمایند، از این تصمیم ضد انسانی دولت پاکستان مطلع شده با هزاران دلهره نسبت به آینده عودت کنندگان، آنهم در شرایطی که نظام ملاسالار فقط به فکر پر کردن جیب های پرناشدنی خودشان هستند، به تشویش می گذرانند و نمی دانند که در مقابل هجوم عودت کنندگان چه باید نمایند، اگر درب خانه ها را بر روی آنها ببندند چه خواهد شد و اگر باز بگذارند، میزبانی تا چه وقت ادامه خواهد یافت. در یادداشت امروز بحث مختصری در مورد منابع صدور این دستور و تصمیم خواهیم داشت:

فکر می کنم بهترین راه برای این که بدانیم تصمیم به اخراج گسترده و وسیع افغانها از پاکستان، احتمالاً ایران و بقیه کشور ها را کدام منابع گرفته اند، باید اندکی به گذشته مراجعه نموده ببینیم که کدام منابعی در همان آغاز داعی و مبلغ ترک کشور و به اصطلاح "هجرت" به پاکستان، ایران و بقیه کشورها بودند و با کشاده دستی آن را تمویل می نمودند. و همچنان این را بدانیم که در طی سالیان گذشته چه تغییراتی در عرصه جهانی و منطقه رخ داد که دیگر هیچ یک از آن منابع ضرورت دامن زدن به ترک کشور و به اصطلاح "هجرت" و استفاده ابزاری از این "سنت محمدی" را لازم نمی دانند.

نخستین منابعی که به ترویج ترک افغانستان پرداختند به علاوه کشور های امپریالیستی و ارتجاعی منطقه، نهاد ها و تشکلات مذهبی منطقه ئی بودند که هریک از آنها جهت رسیدن به اهداف خاص خودشان، به تبلیغ و ترویج پدیده "مهاجرت" دست یازیدند.

تاریخ گواه است که در همان مقطع یعنی حاکمیت نوکران روس و تجاوز گستاخانه و خونبار سوسیال امپریالیسم شوروی بر افغانستان، همزمان با این که نوکران روس و ارتش آن کشور جهت تحکیم حاکمیت شان می خواستند تخلیه اراضی را با کوچ های اجباری تحمیل نمایند، امپریالیسم امریکا و متحدان آن از شرق تا غرب و همچنان ارتش پاکستان و حاکمان نظامی این کشور در همان بازه زمانی به نمایندگی از ارتجاع هار منطقه نیز تلاش داشتند تا با دعوت از افغانها به پاکستان و تهیه برخی سهولت ها، لشکر ایله جاری را که برای تحقق اهداف شان نیاز داشتند، در اختیار

بیاورند همزمان با آن نهاد های مذهبی مرتجع در سراسر منطقه به خصوص در پاکستان، هجوم میلیونها "پناهجوی" افغان را برای خود و بقاء و گسترش نهاد های شان به مثابه کمک غیبی تلقی نموده، تلاش می کردند تا هرچه بیشتر طیف های گسترده تری از باشندگان افغانستان را به خاک خود بکشانند. در کنار اینها بورژوازی نوحاسته، وابسته و محتاج پاکستان نیز تلاش می ورزید تا از طریق دامن زدن به پدیده ترک افغانستان و گذاشتن کلاه شرعی "مهاجرت" بر آن، به صد ها میلیون دالری که پناهجویان با خود می آوردند و یا از جانب اقوام و مؤسسات خیریه جهانی به آنها کمک می شد دست یافته، همه را در خدمت رشد زندگی شهری و پر شدن جیب خودشان قرار دهند.

تاریخ به ما می آموزاند که از آغاز دهه نود میلادی قرن گذشته، که شوری در یک روند پیچیده امنیتی- استخباراتی نابود شد و نوکران دست نشانده آن در افغانستان به دنبال اربابان شان به گودال بدنامی و خیانت غرق شدند و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا حاکمیت تک قطبی اش را در سطح جهان اعلام داشت و همچنان در افغانستان نوکران امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه به حاکمیت رسیدند، می شود گفت به جز شوری متوفا و نوکرانش دیگر تمام جناح ها به اهدافی که از دامن زدن به پدیده ترک افغانستان "مهاجرت" داشتند، رسیدند. کشور هائی که تغییر حاکمیت در افغانستان را می خواستند، به خواست شان رسیدند به جای ببرک-نجیب، مجددی- ربانی و به تعقیب ملا عمر در رأس قدرت قرار گرفتند، ارتش پاکستان بدون ریختن یک قره خون سربازانش بزرگترین اردوی باقی مانده از مزدوران روس را به میراث برده به صد ها هزار اسلحه مختلف از سلاح سبک گرفته تا پیش رفته ترین راکت های سکات و لونا دست یافته در پناه روس هراسی به کمک شرق و غرب خود را به یک قدرت اتومی تکامل دادند، نهادهای مذهبی منطقه به خصوص پاکستان علی رغم آن که خود از دور دستی به آتش داشتند، مگر از ریختن خون بیش از یک میلیون افغان بیشترین منفعت را برده، نهادک های "چنده جمع کن" شان را به بزرگترین احزاب منطقه مبدل نمودند، همچنان بورژوازی نوحاسته، وابسته و محتاج پاکستان بالاترین منفعت ها را برده به قیمت نابودی بیشتر زیر ساخت های اقتصادی افغانستان و انتقال آنها به پاکستان، نه تنها وسایل تولید را در پاکستان نو و مدرنیزه ساختند، بلکه شهرک های مشخصی را با زور بازو و پول افغانهای پناهجو اعمار نمودند.

در چنان شرایطی مسلم است که دیگر نیازی به استفاده ابزاری از خیل پناهجویان و یا همان "مهاجران" باقی نماند و منابعی که آنهمه انسان را نقل مکان داده بودند می بایست مجدداً آنها را به وطن شان برگردانند.

عواملی که باعث شد آن روند به تأخیر بیفتد به علاوه سک جنگی های ارتجاع هار مذهبی در وجود جهادی و بعد تر طالب، تجاوز مستقیم امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان بود که باز هم سیاست های غرب و همچنان ارتجاع منطقه ایجاب می نمود تا جهت استفاده ابزاری کثر الابعاد از جم غفیری از پناهجویان افغانستان در پاکستان و ایران برای مدتی وجود میلیونها افغان را در کشور های شان تحمل نمایند.

حال که از دو سال بدین سو، طالب در افغانستان مسلط و نظام ملاسالار را به وجود آورده و نیازمندی های ماه های اول انتقال قدرت به طالب کاملاً منتفی شده و امپریالیسم امریکا و ارتش پاکستان دیگر خطری از ناحیه سقوط آن احساس نمی کنند و دیگر نه تنها نیازی به دامن زدن به پدیده فرا طلبی نمی بینند بلکه جهت پیشبرد اهداف تهاجمی منطقه ئی شان در ورای افغانستان به میلیونها انسان نیازمند و محتاج دیگری نیاز دارند تا لشکر جدیدی را اینبار برای گسترش قدرت امپریالیسم امریکا و ارتشیان پاکستان در آسیای میانه به وجود بیاورند، بهترین و با صرفه ترین راه را برای

تحقق اهداف شان، اخراج کتله های وسیعی از پناهجویان افغانستان از این و یا آن کشور و فرستادن آنها در زیر رایت مندرس طالب می باشد.

در این میانه ارتجاع مذهبی پاکستان و ایران که زمانی از تشویق کنندگان ترک وطن و گذاشتن کلاه شرعی "هجرت" بر آن بود تقریباً به اهداف خود رسیده ضمن آن که خود در پاکستان به یک قدرت بزرگ مبدل شده است، تصرف قدرت سیاسی را نیز در چشمرس می بیند، بورزوازی نوخاسته، وابسته و محتاج پاکستان تلاش می ورزد صرف همان تعداد از افغانها را در پاکستان نگه دارد که برای شان تخم طلائی می دهد، یعنی با در دست داشتن اسناد رسمی از یک سو دیگر محتاج کمک از جانب دولت پاکستان و نهاد های خیره آن نیستند و از سوی دیگر میلیونها دالر از خارج از پاکستان به وسیله اقوام شان به آنها فرستاده می شود که همه را "بازار پاکستان" غارت می نماید.

بناءً گفته می توانیم تمام آنهایی که دیروز خواستار آوردن افغانها در پاکستان بودند، امروز به اهداف خود رسیده، می خواهند هرچه زودتر از "شر این مهمانان ناخواسته" رها گردند. یعنی تصمیم به اخراج افغانها از پاکستان، تصمیمی نیست که از طرف حکومت موقت گرفته شده باشد، بلکه تصمیمی است که در پاکستان از جانب ارتش آن کشور با برخورداری از حمایت امپریالیسم جهانی گرفته شده و وظیفه اجرائی آن بر دوش حکومت موقت گذاشته شده است.

ارتش پاکستان و تمام احزاب رسمی و سابقه دار پاکستان بسیار آگاهانه تعویل این سیاست را بردوش یک حاکمیت موقت و بی ریشه گذاشته اند تا اگر نتایج دلخواه بار نیآورد از همین حالا بز بلاگردان شان معلوم باشد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!